

تحلیل پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: مطالعه موردی اعضای هیئت دولت‌های هفتم تا دهم

علی ساعی^۱، زینب حسن‌پور^۲، درودگر^۳ سوسن باستانی^۳

(دریافت: ۱ / ۱۱ / ۱۳۹۷ پذیرش: ۲ / ۶ / ۱۳۹۸)

چکیده

موضوع این پژوهش، تحلیل پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی در دولت هفتم تا دهم است. دستگاه نظری این پژوهش بر تئوری مارکس و بر رویکرد وبری در تحلیل پایگاه اجتماعی استوار است. روش تحقیق، تحلیل تطبیقی-توصیفی با استفاده از داده‌های اسنادی است. واحد مشاهده در این مطالعه اعضای کابینه دولت‌های هفتم تا دهم است. تعداد آن‌ها ۱۶۸ نفر بوده و از رؤسای جمهور، وزیران، معاونان و رؤسای دفتر رئیس‌جمهور تشکیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۹۵٫۸ درصد اعضای دولت مرد بوده‌اند. میانگین سنی اعضای دولت ۴۸ سال بوده است. خاستگاه سکونتی ۸۶٫۲ درصد اعضای دولت شهری است. تهران با ۲۰٫۲ درصد، اصفهان با ۱۳٫۱ درصد و یزد با ۱۱ درصد در کل دولت‌ها بیشترین سهم از توزیع استانی اعضای دولت را داشته‌اند. به لحاظ پایگاه اکتسابی، ۴۹٫۷ درصد اعضای دولت‌ها دارای تحصیلات دکتری و ۲۹٫۹ درصد تحصیلات فوق لیسانس داشته‌اند. داده‌ها همچنین نشان می‌دهد اعضای دولت تجربه حضور در سطوح عالی مدیریت کشور را در پیشینه شغلی خود داشته‌اند. بر اساس داده‌ها، قشر دانشگاهی با ۲۹٫۸ درصد، نظامی با ۲۵ درصد و روحانی با ۱۸٫۵ درصد در کابینه حضور داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: پایگاه اجتماعی، نخبگان قدرت سیاسی، کابینه دولت، ماهیت طبقاتی دولت، تحلیل تطبیقی.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) saeia@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس. z.hassanpour@modares.ac.ir

۳. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا. sbastani@alzahra.ac.ir

بیان موضوع

موضوع پژوهش این مقاله، بررسی پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی در دولت هفتم تا دهم است. فهم ما از مفهوم پایگاه اجتماعی مبتنی بر رویکرد وبری است. بر مبنای این رویکرد، پایگاه اجتماعی به تفاوت میان افراد و گروه‌های اجتماعی بر مبنای میزان برخورداری از اعتبار، احترام و منابع ارزشمند اجتماعی مانند قدرت، ثروت و منزلت اجتماعی گفته می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۶).

یافته‌های تجربی ناظر بر پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی در ایران نشان می‌دهد که خاستگاه طبقاتی و پیشینه خانوادگی بیشتر نخبگان سیاسی در ایران، طبقات بالا و متوسط اجتماعی مانند کارکنان دولت، مالکان و صاحبان سرمایه بوده است (ر، ک به: زونیس، ۱۳۸۷؛ شجیعی، ۱۳۸۳؛ ازغندی، ۱۳۷۶). در پژوهشی شجیعی (۱۳۸۳) داده‌های تجربی نشان می‌دهد که در دوره مشروطیت بیش از ۴۶ درصد و در دوران محمدرضا شاه ۲۶،۳ درصد از وزیران و نخست وزیران، از خانواده کارکنان دولت بوده‌اند. پس از کارکنان دولت، طبقه مالکان بیشترین درصد حضور در کابینه را داشته‌اند، ۱۸ درصد نخست وزیران و حدود ۱۰ درصد از وزیران از خانواده مالکان بوده‌اند. در دوره محمدرضا شاه وزیران برخاسته از طبقات دارای مشاغل تخصصی عالی با ۷،۹ درصد و سپس مالکان با ۶،۶ درصد بیشترین میزان حضور در وزارت را داشته‌اند. به لحاظ پایگاه اجتماعی، این گروه از اعضای جامعه را بیشتر مردان، متولدین شهرها، تحصیلکرده‌های دانشگاهی و صاحبان مشاغل دولتی در مناصب بالا تشکیل داده است (شجیعی، ۱۳۸۳؛ زونیس، ۱۳۸۷). یافته‌های تجربی مطالعه شجیعی نشان می‌دهد که در تمام ادوار مورد مطالعه، دوره مشروطیت و محمدرضا شاه، فقط یک زن در پست وزارت حضور داشته است. به لحاظ تحصیلات نیز در دوره مشروطیت ۲۰،۶ درصد نخست وزیران و ۴۵،۶ درصد وزیران و در دوره محمدرضا شاه ۵۹،۲ درصد از وزیران، تحصیلات دکتری داشته‌اند. همچنین شغل اصلی بیش از ۸۰ درصد نخست وزیران و وزیران پیش از وزارت، کارمندی دولت بوده است. با معیار یافته‌های پژوهش شجیعی، مطالعه این واقعیت که پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی و ماهیت طبقاتی دولت همچنان بر گروه‌های اجتماعی عضو طبقات بالا و متوسط استوار است یا تغییر کرده است، انجام این پژوهش را توجیه پذیر می‌سازد.

این پژوهش با هدف تحلیل پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی، به بررسی تحلیلی - تطبیقی پایگاه اجتماعی اعضای کابینه در دولت‌های هفتم تا دهم می‌پردازد. دلیل انتخاب دولت به عنوان واحد تحلیل بزرگتر مبتنی بر معیارهای حضور همزمان صفت انتخابی و انتصابی بودن

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: ... _____ علی ساعی و همکاران

نخبگان و انتظار گردش نخبگان در میدان رقابت سیاسی است. از میان دولت‌ها، دولت‌های هفتم تا دهم بر اساس معیار تغییر در ترکیب و آرایش سیاسی نخبگان سیاسی در این دولت‌ها انتخاب شده‌اند. بررسی پایگاه اجتماعی این گروه از جامعه امکانی برای شناخت دستگاه قدرت اجرایی و آگاهی از بازتولید منافع گروه‌ها و قشرهای اجتماعی در ساختار قدرت و مبنایی برای شناخت میزان باز یا بسته بودن نظام اجتماعی و سیاسی در دستیابی به فرصت‌های تحرک سیاسی است. بررسی پایگاه اجتماعی اعضای دولت می‌تواند نشان دهد، کدام گروه‌ها و قشرهای اجتماعی توانسته‌اند به قدرت سیاسی دست یابند. بر این مبنای پرسش اصلی این پژوهش آن است که نخبگان سیاسی حاکم در دولت‌های هفتم تا دهم جمهوری اسلامی دارای چه نوع پایگاه اجتماعی هستند؟

ادبیات تجربی و نظری

مطالعات تجربی در باب طبقه و خاستگاه اجتماعی طبقات حاکم، بسیار هستند که در این زمینه مطالعات سی. رایت میلز^۱ و ویلیام دام هوف^۲ در امریکا، زهرا شجیعی، ماروین زونیس^۳، علی ساعی و زهرا ندیمی در ایران را می‌توان نام برد. سی. رایت میلز در کتاب *نخبگان قدرت*^۴ نشان می‌دهد که، طبقه حاکم در امریکا نماینده منافع طبقه مسلط جامعه است. این گروه به دلیل قرار گرفتن در جایگاه‌های بالا در سلسله مراتب سیاسی، اقتصادی و نظامی، به یکدیگر شباهت دارند و پیوندهای کاری و خانوادگی و قرارگیری در مکان‌های مشترک مانند مدارس، دانشگاه‌ها و کلوپ‌های خاص، امکان توسعه روابط و حفظ موجودیت آن‌ها را فراتر از روابط سیاسی فراهم می‌سازد (سی. رایت میلز، ۱۳۸۳). ویلیام داف هوف نیز نشان می‌دهد اعضای طبقات حاکم به‌طور هم‌زمان در چندین حوزه مهم حضور دارند. آن‌ها نه تنها در نهادهای اقتصادی، سیاسی و نظامی که در حوزه‌هایی مانند دانشگاه، مدارس عالی، مراکز مهم قدرت و وسایل ارتباط جمعی در موقعیت‌های سطح بالایی قرار دارند. پیوندهای خویشاوندی در میان اعضای طبقه بالا و عضویت‌شان در کلوپ‌ها و باشگاه‌های خاص و ارتباطاتی که اعضای طبقات بالای جامعه امریکا از طریق ازدواج، عضویت در باشگاه‌ها و کلوپ‌های خاص با یکدیگر برقرار می‌کنند، از جمله مکانیزم‌های تثبیت قدرت این گروه از جامعه است (Domhoff, 2005).

زهرا شجیعی نشان می‌دهد به لحاظ پیشینه خانوادگی بیشتر وزیران از خانواده کارمندان دولتی، مالکان و روحانیون بوده‌اند. در دوره مشروطیت بیش از ۶۶ درصد در زمان محمدرضا شاه ۲۶،۳ درصد وزیران و نخست وزیران از خانواده کارمندان دولتی بوده‌اند. داده-

های تجربی مطالعه شجیعی نشان می‌دهد که ۱۸ درصد نخست وزیران و ۱۳٫۹ درصد وزیران دوره مشروطیت و ۹٫۲ درصد وزیران دوره محمدرضا شاه از خانواده مالکان بوده‌اند. پس از مالکان، خانواده روحانیون بیشترین سهم را داشته‌اند. به لحاظ سنی، دستیابی به قدرت بیشتر در سنین بالای ۴۰ سال امکان‌پذیر بوده است. روند ماندگاری در کابینه‌های دولت، با افزایش میانگین سنی و شانس حضور مکرر در کابینه دولت همراه بوده است. یافته‌های مطالعه بر حسب تحصیلات نشان می‌دهد که بیشتر اعضای هیئت دولت دارای تحصیلات عالی بوده‌اند. ۲۰٫۶ درصد نخست وزیران و ۴۵٫۶ درصد وزیران در دوره مشروطیت و ۵۹٫۲ درصد وزیران در دوره محمدرضا شاه تحصیلات دکتری داشته‌اند. در میان گروه‌های مهم اجتماعی، طبقه روحانیت، بازاریان و سرمایه‌داران با وجود نفوذ در عرصه سیاسی، در کابینه دولت سهمی را به خود اختصاص نداده‌اند (شجیعی، ۱۳۸۳). مطالعات زونیس در باب نخبگان سیاسی ایران نیز نشان می‌دهد، دستیابی به پُست‌های مهم سیاسی مانند نخست وزیری، نیازمند پیشینه تجربه حضور در مشاغل مهم سیاسی و دولتی بوده است. نخبگان سیاسی در پیشینه شغلی خود عموماً حداقل سابقه یک شغل وابسته به دولت را داشته‌اند و اصولاً مشاغل دولتی راهی برای دستیابی به مناصب سیاسی بوده است. او در معرفی منابع گزینش افراد در پُست‌های مهم سیاسی، به جایگاه و خاستگاه خانوادگی و اجتماعی نخبگان اشاره و بیان می‌کند که نخبگان متعلق به خانواده‌هایی از پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا هستند. سن ورود به عرصه مدیریت-های عالی در کشور نیز در رده سنی ۴۵ تا ۵۵ سال بوده است و بخش عمده نخبگان، متولدین شهرهای بزرگ، از جمله تهران بوده‌اند (زونیس، ۱۳۸۷). ساعی (۱۳۷۷)، ترکیب اجتماعی نمایندگان مجلس اول تا پنجم، پس از انقلاب ۱۳۵۷، را بررسی می‌کند. بر اساس یافته‌ها، میانگین سنی نمایندگان از ۳۹ سال در دور اول به ۴۵ سال در دور پنجم افزایش یافته است. نسبت نمایندگان مرد به زن بیشتر بوده است. اما تعداد نمایندگان زن از ۴ نفر در مجلس اول به ۱۰ نفر در دوره پنجم افزایش یافته است. در بُعد پایگاه تحصیلی، با افزایش تعداد دوره‌های مجلس، تعداد نمایندگان با پایگاه آموزشی دانشگاهی افزایش یافته است. مشاغل فنی و تخصصی، معلمی، کشاورزی، روحانی، کارگری، بازاری و نظامی، از جمله مشاغل مهم در کارنامه شغلی نمایندگان است و سهم افراد دارای پایگاه شغلی سیاسی، قشر فنی، علمی و متخصص در دوره‌های مختلف، روند صعودی داشته است. قشر روحانی، نظامی و سیاسی، بخشی از ترکیب سیاسی نمایندگان مجلس بوده است. درصد افراد روحانی از ۴۹٫۸ درصد در مجلس اول به ۲۲ درصد در مجلس پنجم و قشر نظامی از ۲۰ درصد در دوره اول به ۷٫۲

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: ... _____ علی ساعی و همکاران

درصد در دور پنجم کاهش یافته است. داده‌های تجربی مطالعه نشان می‌دهد حضور قشر سیاسی افزایش یافته است و از ۱۸ درصد در دور اول به ۴۰٫۲ درصد در دور پنجم افزایش یافته است (همان).

زهرآ ندمی (۱۳۹۰) نیز با بررسی تحرک شغلی مسئولان سیاسی پس از انقلاب نشان می‌دهد، افرادی که به‌عنوان نخبگان سیاسی در طبقه حاکم حضور دارند، پیش از دستیابی به مناصب مهم و کلیدی در حوزه سیاست، در سایر عرصه‌ها نیز در جایگاه بالایی بوده‌اند و تحرک اجتماعی در موقعیت‌های بالا محدود است. بیشتر رؤسای جمهور، رؤسای قوه مقننه و قضائیه، پیش از تصدی جایگاه سیاسی ریاست قوا نیز به لحاظ سیاسی در مسندهای بالا حضور داشته‌اند. ندمی با اشاره به روند تغییر موقعیت روسای جمهور در دوره‌های هشت‌گانه از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸ به بررسی روند تحرک اجتماعی آن‌ها پرداخته است. یافته‌های تجربی او نشان می‌دهد که رئیس‌جمهورهای دولت‌های سوم تا ششم در طول دوره سی ساله همواره در موقعیت‌های بالا حضور داشته‌اند. رئیس‌جمهور دولت هفتم و هشتم از ابتدای پیروزی انقلاب اکثراً در موقعیت‌های سطح سوم (در حد وزارت) حضور داشته است و در دوره هفتم و هشتم به موقعیت سطح دوم (ریاست جمهوری) ارتقا یافته است. رئیس‌جمهور دولت‌های نهم و دهم به استثنای مدتی در دوره پنجم تا هفتم در هیچ یک از موقعیت‌های بالای سیاسی حضور نداشته است. در دوره هفتم به موقعیت سطح سوم (شهردار تهران) و سپس به موقعیت سطح دوم (ریاست جمهوری) ارتقا یافته است.

بررسی مقایسه‌ای مطالعات قبل و پس از انقلاب ۱۳۵۷ در زمینه نخبگان سیاسی ایران بیانگر رابطه میان طبقه حاکم با طبقات و قشرهای قدرتمند جامعه است و ویژگی‌های یکسانی را در ترکیب و حضور نیروهای اجتماعی در طبقه نخبگان حاکم نشان می‌دهد. این مطالعه با تمرکز بر شناخت پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی و ماهیت طبقاتی دولت‌ها، به بررسی خاستگاه اجتماعی اعضای کابینه دولت، سهم گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی از قدرت سیاسی و نیز روند تغییرات در ترکیب اعضای دولت‌های هفتم تا دهم می‌پردازد.

در باب ادبیات نظری این پژوهش باید گفت، سیر مطالعات نظری در باب نخبگان سیاسی و ماهیت طبقاتی دولت را می‌توان در تئوری‌های اندیشمندان سیاسی مانند پاره‌تو و موسکا^۹ و اندیشمندان اجتماعی مانند کارل مارکس^۶ و ماکس وبر^۷ یافت.

پاره‌تو با تمایز میان نخبگان حکومتی و غیرحکومتی، گروهی را که در رأس هرم قدرت قرار دارند «نخبگان سیاسی»^۸ می‌نامد که با ایفای نقش مستقیم یا غیرمستقیم در حکومت

قادرند ساختار کلی جامعه را تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار دهند (کوزر، ۱۳۸۳). پاره‌تو بر این نکته تأکید دارد که افرادی که عنوان نخبگی را با خود به همراه دارند لزوماً واجد شایستگی‌های لازم نیستند. او معتقد بود فقط در جامعه کاملاً باز و با امکان تحرک اجتماعی کامل، مقام نخبه با توانایی‌های برتر تلازم دارد؛ اما در شرایطی که بازدارنده‌هایی مانند ثروت، پیوندهای خانوادگی و جزء این‌ها از چرخش آزادانه افراد و تحرک اجتماعی عمودی جلوگیری می‌کند، تعادل و ثبات جامعه با تهدید مواجه می‌شود و فساد گسترده درون طبقه حاکم و انباشت نیروهای با استعداد در طبقات پایین اجتماعی از پیامدهای آن است. (کوزر، ۱۳۸۳؛ Pareto, 1935; 1976 Cited in Raket, 2008).

موسکا جامعه را متشکل از دو گروه حاکم و تحت حکمرانی برمی‌شمارد. طبقه حاکم نیز شامل دو گروه است. بالاترین لایه، نخبگان حاکم‌اند که تعداد اندکی را هستند و گروه دوم که شمار بیشتری از مردم را شامل می‌شود، توانایی و پتانسیل بالقوه رهبری را دارند. ثبات سیاسی یک جامعه بستگی به سطح اخلاقیات، هوش و فعالیت نخبگان بالقوه دارد. به نظر موسکا تغییر در نخبگان حاکم، زمانی رخ می‌دهد که منابع جدید از رفاه، علاقه عملی به رشد دانش و ایده‌های جدید توسعه یابد و یا یک دین قدیمی فرو ریزد و یا دین جدید ظهور کند (Mosca, 1939, cite in Raket, 2008).

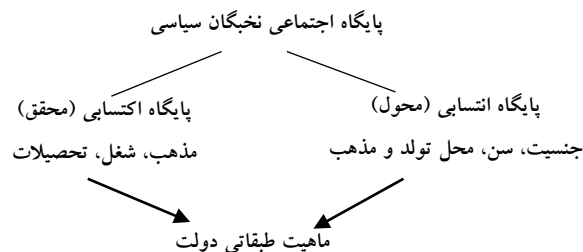
به‌طور خاص بحث در باب پایگاه اجتماعی طبقه حاکم را می‌توان در اندیشه کارل مارکس و وبر جست. بر اساس الگوی جامعه‌شناسی سیاسی مارکس، دولت در جامعه طبقاتی و نظام سرمایه‌داری، خصلتی طبقاتی و ماهیتی اقتصادی دارد و ابزاری در جهت بازتولید منافع طبقه سرمایه‌دار است؛ اما مکانیسم بازتولید این منافع را می‌توان در نوع رابطه دولت و سایر گروه‌های اجتماعی یافت. مارکسیست‌ها در این زمینه سه نوع رابطه و پیوند را از هم تمیز می‌دهند (بشیریه، ۱۳۹۲):

۱. پیوند شخصی، نوعی از رابطه است که بر اساس آن ماهیت طبقاتی دولت به‌واسطه پایگاه اجتماعی اعضای آن شناخته می‌شود؛
۲. پیوند ساختاری که بر اساس آن، دولت در درون هر نظام تولیدی، صرف نظر از ماهیت طبقاتی هیئت حاکم و به‌دلیل محدودیت‌های ساختاری نظام اجتماعی، ابزاری برای دستیابی به منافع و ضامن حمایت از منافع طبقات مسلط است؛
۳. پیوند سیاسی که اشاره به امتیازات، منابع و جایگاه مهم طبقه مسلط به‌عنوان پر قدرت‌ترین گروه فشار در اعمال نفوذ بر قدرت سیاسی دارد. از این منظر طبقه مسلط جامعه به‌دلیل داشتن چنین جایگاهی، می‌تواند منافع شخصی‌اش را به‌عنوان منافع ملی مطرح کند.

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: ... _____ علی ساعی و همکاران

دانیلوی و اولیری^۹ (۱۹۸۷) در باب رابطه دولت با طبقات اجتماعی سه حالت در کار مارکس و انگلس پیدا کرده‌اند که در اینجا تأکید بر مارکس است: ۱. مدل ابزارانگازانه^{۱۰}؛ ۲. مدل استقلال نسبی^{۱۱}؛ ۳. مدل کارکردگرایانه^{۱۲}. بر اساس این مدل، در تئوری مارکس، دولت مدرن چیزی جز کمیته مدیریت و اداره امور کل طبقه بورژوازی نیست (Marx, 1977: 223).^{۱۳} در مدل استقلال نسبی، دولت مدرن دارای میزانی از قدرت مستقل و استقلال نسبی از طبقه بالاست. این تحلیل مارکس را می‌توان در کتاب *همدهم برومرلوئی بناپارت*^{۱۴} یافت. در اینجا دولت مدرن در مقابل منافع بورژوازی دارای استقلال نسبی است. حتی برای محدود کردن قدرت بورژوازی به‌طور مستقل دست به عمل می‌زند (Nash, 2010). بر اساس مدل کارکردگرایانه^{۱۵}، دولت یک روساخت^{۱۶} است که ماهیت آن از طریق تغییر در زیربنای اقتصادی^{۱۷} تعیین می‌شود (دانیلوی و اولیری، ۱۹۸۷، ۲۱۱ به نقل از ساعی، ۱۳۹۷). وبر نیز اگرچه همچون مارکس ماهیت اقتصادی برای طبقه قائل است؛ اما نگاه تک‌بعدی و یک‌جانبه مارکس در تحلیل طبقات اجتماعی را نقد می‌کند و توجه به سایر عوامل در سطح سیاسی و اجتماعی را به اندازه عامل اقتصادی مهم بر می‌شمارد. در رویکرد وبر دولت قدرتمندترین نهاد جامعه مدرن است و سیاست تلاشی برای سهم شدن در قدرت و یا اعمال نفوذ بر توزیع قدرت در بین دولت‌ها یا گروه‌های درون یک دولت است (وبر، ۱۹۴۸ به نقل از کیت نش، ۱۳۹۳). وبر قدرت در اجتماع سیاسی را از طریق سه عامل تبیین می‌کند: طبقه، گروه‌های منزلتی و احزاب هر یک از این سه عامل به‌نوع خاصی از قدرت منجر می‌شود. طبقه در عرصه اقتصاد (پول و ثروت)، به قدرت اقتصادی و گروه‌های منزلتی^{۱۸} در عرصه توزیع فخر، به قدرت منزلتی (پایگاه اجتماعی) و احزاب در حوزه قدرت، به قدرت سیاسی منجر می‌شود که در ادامه این سه نوع قدرت بررسی شده است (ر.ک به کوزر و روزنبرگ، ۱۳۹۳؛ وبر، ۱۳۹۶ به نقل از ساعی، ۱۳۹۷). در رویکرد وبر طبقه متشکل از مجموعه‌ای از افرادی است که دارای وضعیت مشابه اقتصادی یا «شانس اقتصادی»^{۱۹} هستند. در مقابل شأن اجتماعی، مجموعه‌ای از افراد با زیست فرهنگی و اجتماعی مشابه هستند. حزب^{۲۰} بر اساس علائق سیاسی سازمان می‌یابد و می‌تواند چندین طبقه یا شأن را دربرگیرد. رابطه میان شئون اجتماعی و طبقات اجتماعی از آن نظر دارای اهمیت است که اگر یکی از شئون اجتماعی، قدرت را در دست بگیرد، می‌باید نسبت آن با سایر طبقات و به‌ویژه طبقه مسلط روشن شود. از این رو، مطالعه ارتباط میان شئون اجتماعی مانند روحانیون، روشنفکران و نظامیان با طبقات اجتماعی از نظر رابطه ابزارگونی و یا استقلال نسبی دولت دارای اهمیت است. هرچه میزان تداخل شأن اجتماعی و طبقه مسلط به لحاظ روابط شخصی، گروهی و ایدئولوژیک بیشتر باشد، طبقاتی شدن دولت و

یا سلطه طبقه اجتماعی مسلط بر دولت بیشتر خواهد شد. استقلال نسبی دولت زمانی تضمین می‌شود که شئون مورد نظر استقلال نسبی از طبقه مسلط داشته باشد (بشیریه، ۱۳۹۲). در این مقاله مفهوم نخبگان سیاسی بر تئوری پاره‌تو و مفهوم پایگاه اجتماعی بر رویکرد وبری استوار است. بر این اساس، نخبگان سیاسی، آن گروه از طبقه حاکم هستند که در رأس هرم قدرت سیاسی قرار دارند و به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در حکومت نقش دارند. پایگاه اجتماعی این گروه از جامعه بر مبنای ویژگی‌های انتسابی و اکتسابی آن‌ها تعیین می‌شود. ماهیت طبقاتی دولت‌ها نیز برخاسته از پایگاه اجتماعی اعضای آن است. مفهوم ماهیت طبقاتی دولت از تئوری مارکس الهام گرفته شده است.



بر اساس این مدل مفهومی، پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی ترکیبی از ویژگی‌های انتسابی، مانند جنسیت، سن و محل تولد و ویژگی‌های اکتسابی، مانند شغل و تحصیلات آنان است. فرض ما آن است که از طریق مطالعه پایگاه اجتماعی اعضای دولت، می‌توان ماهیت طبقاتی دولت را فهم کرد.^{۲۱}

چارچوب روش‌شناختی

این پژوهش یک مطالعه توصیفی - تطبیقی در باب پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی دولت‌های هفتم تا دهم جمهوری اسلامی ایران است. در ابتدا، تعریف عملیاتی مفاهیم ارائه و در ادامه، روش گردآوری و تحلیل داده‌ها و اعتبار معرف‌ها بیان می‌شود.

پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی: پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی در این مطالعه در دو بُعد انتسابی با معرف‌های سن، جنسیت، محل تولد، مذهب و اکتسابی با معرف‌های پیشینه شغلی و تحصیلی سنجیده شده است.

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: ... علی ساعی و همکاران

جدول ۱: معرف‌های پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی

مفهوم	ابعاد	خرده ابعاد	معرف‌ها	سنجه‌ها ^{۲۲}
پایگاه اجتماعی	انتسابی	سن	سال تولد	سن در زمان حضور در کابینه
		جنسیت		زن یا مرد بودن
		محل تولد	استان محل تولد	متولد کدام استان
	پیشینه مذهبی	محل تولد	خاستگاه شهری یا روستایی	محل تولد شهری یا روستایی
		دین و مذهب	دین و مذهب	دین و مذهب در زمان عضویت در کابینه
		طبقه روحانیت	روحانی یا غیرروحانی بودن	روحانی یا غیرروحانی بودن
اکتسابی	پیشینه تحصیلی	رده تحصیلی	آخرین مدرک تحصیلی در زمان عضویت در کابینه	
		سابقه تحصیلی	سابقه تحصیل در داخل و یا خارج از کشور	
	پیشینه شغلی	مشاغل	سوابق شغلی پیش از عضویت در کابینه دولت	

روش جمع‌آوری داده‌ها: داده‌ها بر مبنای منابع اسنادی و کتابخانه‌ای با رجوع به منابع معتبر علمی، از جمله کتب مربوط به اطلاعات نخبگان سیاسی ایران،^{۲۳} زندگی‌نامه‌ها، خاطرات، منابع اطلاعاتی مربوط به پیشینه شغلی شامل رزومه‌های علمی و دانشگاهی، رزومه شغلی افراد در نهادهایی مانند مجلس، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و حکم‌های استخدامی، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی دولت و مجلس و وبسایت‌های شخصی جمع‌آوری شده است.

روش تحلیل: روش مورد استفاده، تحلیل تطبیقی از نوع توصیفی است. تحلیل تطبیقی فرآیند کشف و شناسایی تمایزات و افتراقات میان پدیده‌های اجتماعی در سطح کلان و بین چند واحد اجتماعی است. در این روش یک پدیده یا واقعه درون چند واحد اجتماعی بررسی می‌شود. تحلیل تطبیقی-توصیفی به بررسی چگونگی توزیع و تغییرپذیری داده‌های تجربی در واحدهای تحلیل می‌پردازد (ساعی، ۱۳۹۲). در این مطالعه پایگاه اجتماعی اعضای کابینه دولت در سه سطح تحلیل شده است: سطح درون‌دولتی، بین‌دولتی و سطح کل.

واحد تحلیل و مشاهده: واحد تحلیل در این مطالعه فرد و کابینه و واحد مشاهده اعضای کابینه بوده است. تعداد کل اعضای کابینه دولت هفتم ۳۸ نفر، دولت هشتم ۳۷ نفر، دولت نهم ۴۷ نفر و دولت دهم ۴۸ نفر بوده‌اند.^{۲۴} در مقاله تمامی اعضای کابینه دولت‌های دولت هفتم تا دولت دهم بررسی شده است.

اعتبار و پایایی: در این مطالعه سنجه‌ها بر مبنای دانش تجربی و نظری نویسندگان مقاله و نیز با رجوع به متون علمی و پژوهش‌های پیشین انتخاب شده است. در باب پایایی داده‌ها نیز، اطلاعات مربوط به سنجه‌ها با رجوع به منابع معتبر، از جمله رزومه‌های علمی و شغلی، حکم-های استخدامی، شرح‌حال و زندگی‌نامه اعضای کابینه، گردآوری شده است.

تحلیل تجربی

در این قسمت پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی مطالعه شده است. فاصله زمانی مورد بررسی در این مطالعه از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲ است. در این فاصله زمانی چهار دولت تشکیل شده و دو رئیس‌جمهور در رأس قوه مجریه حضور داشته‌اند. در این مقاله علاوه بر تحلیل پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی، سهم گروه‌های اجتماعی مانند زنان، جوانان، روحانیون، نظامیان و دانشگاهیان نیز بررسی شده است. در ابتدا، پایگاه اجتماعی انتسابی اعضای کابینه دولت و در ادامه پایگاه اجتماعی اکتسابی آن‌ها تحلیل می‌شود.

در سطح تحلیل درون دولتی یافته‌های جدول ۲، نشان می‌دهد که میانگین سنی اعضای کابینه دولت هفتم ۴۶، دولت هشتم ۴۸، دولت نهم ۴۸،۵ و دولت دهم ۵۰ سال بوده است. بیشترین میزان فراوانی در دولت‌ها، به ترتیب مربوط به گروه سنی ۴۰ - ۵۰ و ۵۰ - ۶۰ سال است.

جدول ۲: توزیع درصد فراوانی گروه‌های سنی اعضای هیئت دولت

میانگین سنی در زمان عضویت در کابینه	گروه سنی										دولت
	۶۰ - ۷۰ سال		۵۰ - ۶۰ سال		۴۰ - ۵۰ سال		۳۰ - ۴۰ سال		۲۰ - ۳۰ سال		
	P	Fi	P	Fi	P	Fi	P	Fi	² P	Fi	
۴۶،۱	۲،۷	۱	۱۸،۹	۷	۶۷،۶	۲۵	۱۰،۸	۴	۰	۰	هفتم
۴۸،۲	۰	۰	۲۴،۳	۹	۷۵،۷	۲۸	۰	۰	۰	۰	هشتم
۴۸،۵	۲،۱	۱	۲۷،۷	۱۳	۶۱،۷	۲۹	۸،۵	۴	۰	۰	نهم
۵۰،۲	۹،۳	۴	۳۹،۵	۱۷	۴۱،۹	۱۸	۷	۳	۲،۳	۱	دهم
۴۸،۴	۳،۷	۶	۲۸	۴۶	۶۱	۱۰۰	۶،۷	۱۱	۰،۶	۱	جمع کل

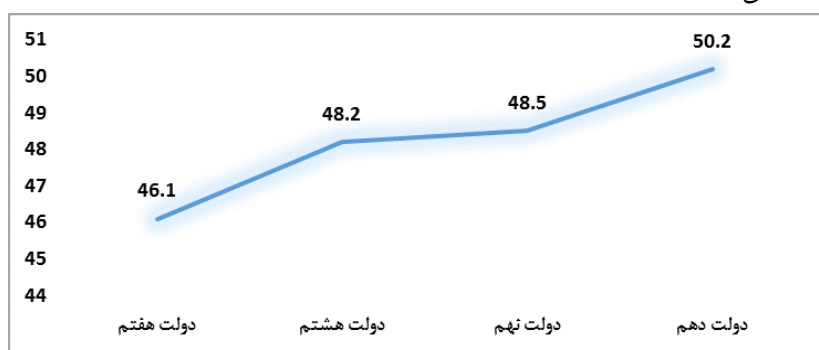
در سطح تحلیل بین دولتی، بیشترین درصد حضور نیروهای جوان در گروه سنی ۳۰ - ۴۰ سال مربوط به دولت هفتم با ۱۰،۸ درصد و دولت نهم با ۸،۵ درصد است. دولت دهم به لحاظ

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: ... علی ساعی و همکاران

حضور وزیران و معاونان در گروه سنی ۶۰ - ۷۰ سال، بیشترین درصد فراوانی را در مقایسه با دولت‌های هفتم تا دهم به‌خود اختصاص داده است.

در باب روند حضور گروه‌های سنی در دولت‌های مورد مطالعه می‌توان گفت، درصد حضور اعضای کابینه در گروه سنی ۴۰ - ۵۰ سال به‌جز در دولت هشتم، روند نزولی داشته است. برعکس آن، درصد حضور اعضای کابینه در گروه سنی ۵۰ - ۶۰ از دولت هفتم تا دولت دهم روند صعودی داشته است. میزان گروه سنی ۳۰ - ۴۰ سال از ۱۰٫۸ درصد در دولت هفتم به ۷ درصد در دولت دهم کاهش یافته است. این نتایج نشان می‌دهد که با گذشت زمان، میزان ماندگاری افراد در پُست‌های مهم سیاسی در دولت افزایش یافته است.^{۲۶}

در سطح تحلیل کل دوره‌ها، میانگین سنی کل اعضای کابینه برابر با ۴۸ سال بوده است. حداکثر و حداقل میانگین سن معادل ۴۶٫۱ و ۵۰٫۲ سال بوده است که به ترتیب در دولت‌های هفتم و دهم توزیع شده است. نمودار ۱، توزیع میانگین سنی اعضای هیات دولت را به‌طور دقیق‌تر نشان می‌دهد.



نمودار ۱: میانگین سنی اعضای هیئت دولت هفتم تا دهم

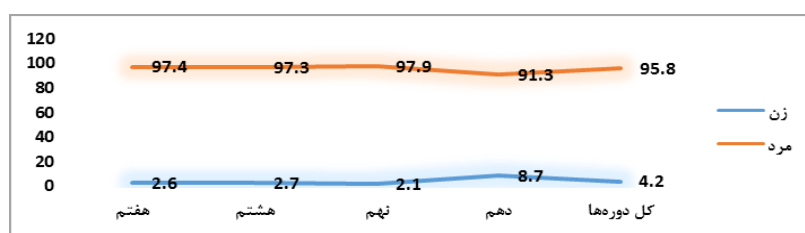
یکی دیگر از معرف‌های پایگاه اجتماعی، جنسیت است. بر اساس نتایج جدول ۴، درصد حضور زنان در کابینه دولت، در دولت هفتم تا نهم اندک و محدود به حضور یک زن در پُست معاون رئیس‌جمهور بوده است. در دولت دهم با تصدی پُست وزارت بهداشت از سوی یک زن و تخصیص ۳ معاونت به زنان، سهم حضور زنان در پُست‌های مدیریت اجرایی و کابینه دولت افزایش یافته است.

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصد فراوانی جنسیت اعضای کابینه دولت

کابینه دولت										جنسیت
جمع کل		دهم		نهم		هشتم		هفتم		
P	Fi	P	Fi	P	Fi	P	Fi	P	Fi	
۴,۲	۷	۸,۷	۴	۲,۱	۱	۲,۷	۱	۲,۶	۱	زن
۹۵,۸	۱۶۱	۹۱,۳	۴۴	۹۷,۹	۴۷	۹۷,۳	۳۶	۹۷,۴	۳۷	مرد
۱۰۰	۱۶۸	۱۰۰	۴۷	۱۰۰	۴۸	۱۰۰	۳۷	۱۰۰	۳۸	جمع کل

بر اساس نتایج به دست آمده در دولت هفتم تا نهم فقط یک زن در کابینه به عنوان معاون رئیس‌جمهور حضور داشته است. در دولت دهم بیشترین درصد حضور زنان (۸,۷ درصد) در کابینه را شاهد هستیم. گروه‌بندی جنسیتی در دولت هفتم تا دهم تغییراتی داشته و روند افزایش سهم زنان در هیئت دولت مشهود است. در دولت هفتم یک زن در پُست معاونت رئیس‌جمهور بوده است. این روند در دولت‌های هشتم، نهم و دهم نیز ادامه داشته است و در دولت دهم برای اولین بار پس از انقلاب، یک زن به‌عنوان وزیر توانست از مجلس رأی اعتماد بگیرد و درصد زنان در پُست‌های معاونت نیز افزایش یافته است.

در سطح تحلیل کل، شواهد تجربی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲، سهم زنان در شبکه دولت معادل ۴,۲ درصد بوده است. در حالیکه ۹۵,۸ از اعضای دولت را مردان تشکیل داده‌اند. این یافته دلالت بر توزیع نابرابر قدرت در دولت‌های مورد مطالعه دارد.



نمودار ۲: درصد حضور زنان در هیئت دولت هفتم تا دهم

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: ... _____ علی ساعی و همکاران

در باب خاستگاه سکونتی نخبگان سیاسی باید گفت، محل تولد از شاخص‌های همگنی در ساختار دولت است. بر اساس داده‌های جدول ۵، خاستگاه سکونتی اعضای دولت‌های هفتم تا دهم به ترتیب ۷,۹ درصد، ۵,۴ درصد، ۱۹,۱ درصد و ۱۳,۸ درصد روستا بوده است. همچنین، بر اساس جدول ۶، در دولت هفتم و هشتم، تهران، اصفهان و یزد، در دولت نهم تهران، اصفهان و مازندران و در دولت دهم تهران، مازندران و خوزستان به ترتیب دارای بیشترین فراوانی به لحاظ خاستگاه سکونتی اعضای دولت بوده‌اند.

جدول ۵: توزیع درصد فراوانی خاستگاه سکونتی اعضای کابینه دولت

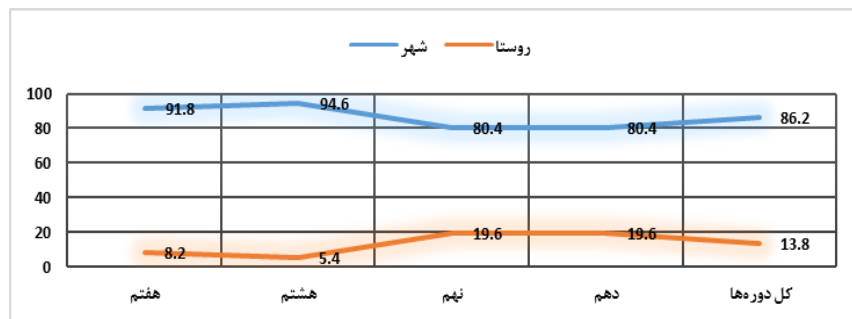
کابینه دولت										خاستگاه سکونتی
جمع کل		دهم		نهم		هشتم		هفتم		
P	Fi	P	Fi	P	Fi	P	Fi	P	Fi	
۸۶,۲	۱۴۴	۸۰,۴	۳۷	۸۰,۹	۳۸	۹۴,۶	۳۵	۸۹,۵	۳۴	شهر
۱۳,۸	۲۳	۱۹,۶	۹	۱۹,۱	۹	۵,۴	۲	۷,۹	۳	روستا
۱۰۰	۱۶۸	۱۰۰	۴۷	۱۰۰	۴۸	۱۰۰	۳۷	۱۰۰	۳۷	جمع کل
۱		۰		۰		۰		۱		بی پاسخ

جدول ۶: توزیع درصد فراوانی استان محل تولد اعضای هیئت دولت

استان‌ها	درصد فراوانی استان محل تولد اعضای کابینه				استان‌ها	درصد فراوانی استان محل تولد اعضای کابینه				
	کل دوره‌ها		دهم	هشتم		کل دوره‌ها		دهم	هشتم	
	P	Fi				P	Fi			
تهران	۲۶,۳	۲۴,۳	۱۴,۹	۱۷,۴	۲۰,۲	۳۴	۳۴	۲,۶	۵,۴	همدان
اصفهان	۱۸,۴	۱۶,۲	۱۲,۸	۶,۵	۱۳,۱	۲۲	۲۲	۲,۶	۲,۶	کرمانشاه
یزد	۷,۹	۱۳,۵	۶,۴	۰	۶,۵	۱۱	۱۱	۰	۰	گیلان
آذربایجان شرقی	۵,۳	۲,۷	۴,۳	۴,۳	۴,۲	۷	۷	۰	۰	مازندران
آذربایجان غربی	۵,۳	۸,۱	۶,۴	۰	۴,۸	۸	۸	۰	۰	سمنان
کرمان	۵,۳	۸,۱	۰	۰	۴,۲	۷	۷	۰	۰	گلستان
فارس	۵,۳	۲,۷	۶,۴	۶,۴	۵,۴	۹	۹	۰	۰	قزوین
خراسان رضوی	۵,۳	۸,۱	۴,۳	۴,۳	۵,۴	۹	۹	۰	۰	کردستان
اراک	۲,۶	۰	۴,۳	۲,۲	۲,۴	۴	۴	۰	۰	چهارمحال و بختیاری
اردبیل	۲,۶	۰	۰	۰	۱,۸	۳	۳	۰	۰	سیستان و بلوچستان
خوزستان	۲,۶	۵,۴	۶,۴	۸,۷	۶	۱۰	۱۰	۰	۰	عراق
قم	۲,۶	۰	۴,۳	۰	۱,۸	۳	۳	۰	۰	سایر
لرستان	۲,۶	۰	۰	۲,۲	۱,۲	۲	۲	۰	۰	

در سطح تحلیل بین دولتی، داده‌های تطبیقی میان دولت‌ها نشان می‌دهد، درصد حضور اعضای کابینه با خاستگاه سکونت روستایی در همه دولت‌ها اندک بوده است. بیشترین درصد خاستگاه سکونت روستایی در دولت دهم با ۱۹,۶ درصد و کمترین درصد با ۵,۴ درصد در دولت هشتم بوده است.

به لحاظ شهر محل تولد، در تمامی دولت‌ها، بیشترین میزان فراوانی مربوط به شهر تهران بوده است. البته، سهم استان تهران از دولت هفتم تا دهم روند نزولی داشته و توزیع استانی قدرت سیاسی در دولت دهم بیش از سایر دولت‌های مورد بررسی بوده است. اصفهان شهر دیگری است که تا دولت دهم رتبه دوم را داشته است. اما در دولت دهم مازندران رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. توزیع استانی اعضای دولت‌ها در قدرت اجرایی کشور در دولت هفتم تا نهم به سمت استان‌های تهران، اصفهان بوده و در دولت دهم تهران، مازندران به ترتیب بیشترین درصد فراوانی را داشته است. ۲,۴ درصد وزیران و معاونان از استان‌های مرزی مانند سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری و کردستان برای اولین بار در دولت دهم حضور داشته‌اند. خوزستانی‌ها با ۱۰ درصد حضور در دولت دهم، سهم بیشتری را نسبت به اصفهانی‌ها به خود اختصاص داده‌اند.

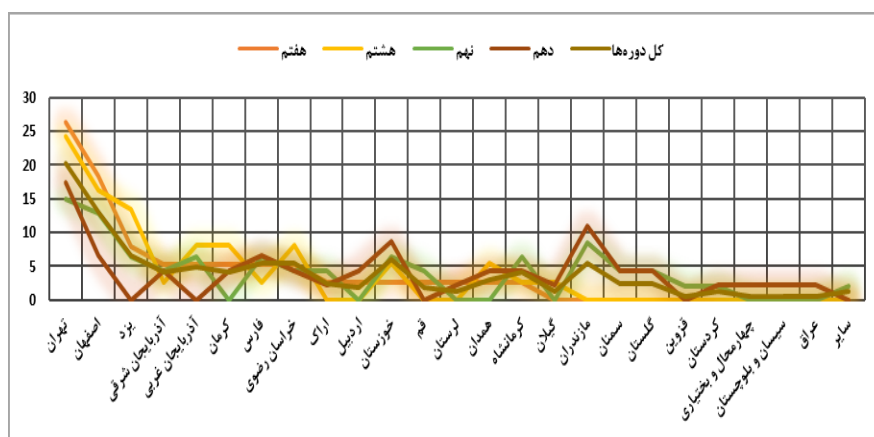


نمودار ۳: توزیع درصدی محل تولد اعضای هیئت دولت بر حسب شهر و روستا

در سطح تحلیل کل دوره‌ها، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اکثریت اعضای دولت با ۸۶,۲ درصد دارای خاستگاه سکونت شهری هستند و ۱۳,۸ خاستگاه سکونت روستایی داشته‌اند. بر این اساس، توزیع خاستگاه سکونت شهری در دستیابی به قدرت سیاسی ماکسیمال دارد. دامنه تغییرات تعداد وزیران و معاونان در کابینه دولت بر حسب توزیع جغرافیایی و استانی آنان دلالت بر تجانس دارد. اکثریت اعضای کابینه دولت‌های مورد مطالعه،

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: ... علی ساعی و همکاران

متولد تهران بوده‌اند و شهر تهران در تمامی دولت‌ها بیشترین سهمیه کرسی‌های وزارت و معاونت را داشته است. در مجموع، در دولت‌های هفتم تا دهم ۲۰,۲ درصد از اعضای کابینه را متولدین شهر تهران به‌خود اختصاص داده است. بر اساس این یافته می‌توان استنباط کرد که تهران به‌عنوان پایتخت ایران، وزن سنگینی در دستیابی به قدرت در میدان رقابت‌های سیاسی دارد. همان‌طور که در نمودار ۴ نیز نشان داده شده است، توزیع استانی در تمامی دولت‌ها بیشتر به استان‌های بزرگ ایران متمایل است که دلالت بر چولگی توزیع سهم استان‌ها در کابینه دولت‌ها دارد.



نمودار ۴: توزیع استانی محل تولد اعضای هیئت دولت هفتم تا دهم

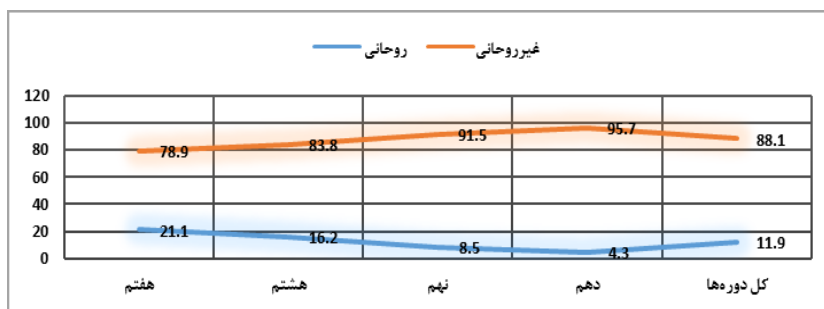
بنا به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور می‌باید مسلمان و معتقد به مذهب شیعه^{۲۷} باشد. لذا، تمامی رؤسای جمهور مسلمان و پیرو مذهب شیعه هستند. این محدودیت در ارتباط با سایر اعضای کابینه دولت به لحاظ قانونی و رسمی وجود ندارد، اما نتایج بررسی‌ها نشان داده است که هیچ یک از وزیران و معاونان کابینه دولت از سایر مذاهب انتخاب نشده‌اند و اعضای کابینه در تمامی دولت‌ها مسلمان و شیعه بوده‌اند.

تفاوت به لحاظ تعلق داشتن به قشر مذهبی خاص در دولت‌ها آشکار است. حضور قشر روحانی در هیئت دولت بر مبنای روحانی بودن یا نبودن اعضای کابینه بررسی شده است. بر اساس نتایج به‌دست آمده از جدول ۷، در دولت‌های هفتم و هشتم به‌ترتیب با ۲۱,۱ درصد و ۱۶,۲ درصد، قشر روحانی بیشترین سهم از کابینه دولت را داشته است. این میزان از حضور در دولت نهم و دهم کاهش یافته و به‌ترتیب به ۸,۵ درصد و ۴,۳ درصد رسیده است.

جدول ۷: توزیع فراوانی و درصد فراوانی روحانیون در کابینه دولت‌های هفتم تا دهم

کابینه دولت										روحانی بودن
جمع کل		دهم		نهم		هشتم		هفتم		
P	Fi	P	Fi	P	Fi	P	Fi	P	Fi	
۸۸,۱	۱۴۸	۹۵,۷	۴۴	۹۱,۵	۴۳	۸۳,۸	۳۱	۷۸,۹	۳۰	غیرروحانی
۱۱,۹	۲۰	۴,۳	۲	۸,۵	۴	۱۶,۲	۶	۲۱,۱	۸	روحانی
۱۰۰	۱۶۸	۱۰۰	۴۷	۱۰۰	۴۸	۱۰۰	۳۷	۱۰۰	۳۸	جمع کل

یافته‌های موجود در سطح تحلیل بین دوره‌های نشان می‌دهد که حضور قشر روحانی در هیئت دولت از دولت هفتم تا دولت دهم روند نزولی داشته است و بیشترین درصد حضور روحانیون با ۲۱,۱ مربوط به دولت هفتم بوده است. در دولت دهم درصد حضور روحانیون کاهش یافته و به کمتر از ۵ درصد رسیده است. در سطح کل، سهم قشر روحانی از کابینه دولت هفتم تا دهم در مجموع ۱۱,۹ درصد بوده است.



نمودار ۵: طبقه روحانیت در هیئت دولت هفتم تا دهم

در سطح نظری می‌توان تحصیلات را به عنوان یکی از علت‌های دستیابی به فرصت‌های بالای سیاسی فرض کرد. بر اساس داده‌های جدول ۸، در تمامی دولت‌ها اکثریت اعضا دارای تحصیلات دکتری بوده‌اند. این گروه تحصیلی در دولت هفتم با ۳۹,۵ درصد، دولت هشتم با ۴۳,۲ درصد، دولت نهم با ۵۳,۲ درصد و دولت دهم با ۶۰ درصد، بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین درصد تحصیلات حوزوی با ۲۱,۱ درصد، در دولت هفتم و کمترین آن با ۴,۴ درصد مربوط به دولت دهم بوده است. تحصیلات لیسانس با کمترین میزان، ۴,۴ درصد، در دولت دهم و بیشترین میزان با ۱۳,۵ درصد، متعلق به دولت هشتم بوده است.

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: ... علی ساعی و همکاران

بر مبنای داده‌های موجود، توزیع میزان تجربه تحصیل خارج از کشور در دولت هفتم و هشتم نسبت به دولت نهم و دهم ۱۰ درصد بیشتر است. در سطح تحلیل بین دولتی، داده‌های تجربی نشان می‌دهد که توزیع اعضای کابینه دولت‌ها بر حسب سطح سواد، از ۳۹,۵ درصد در دولت هفتم به ۶۰ درصد در دولت دهم افزایش یافته است. روند تغییرات در تحصیلات حوزوی نزولی بوده است. همچنین، بر اساس جدول ۹، ۳۱ عضو دولت دارای تحصیلات خارجی بوده‌اند. اکثریت این افراد در دولت‌های هفتم و هشتم با ۴۸ درصد توزیع شده‌اند. این میزان در دولت‌های نهم و دهم به ۲۷,۹ درصد کاهش یافته است.

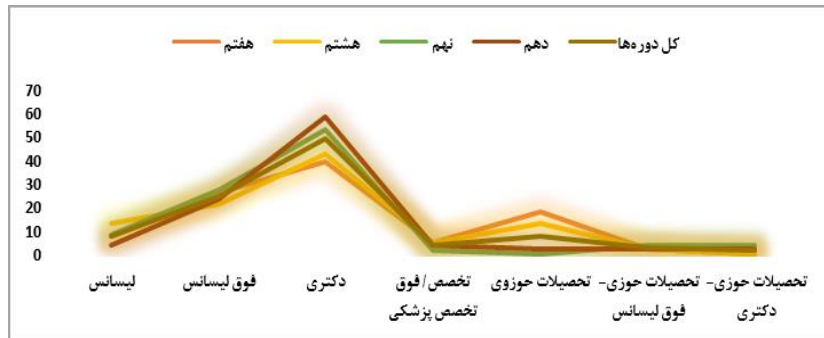
جدول ۸: توزیع درصدی تحصیلات اعضای هیئت دولت

کل دوره‌ها		دهم		نهم		هشتم		هفتم		تحصیلات
P	Fi	P	Fi	P	Fi	P	Fi	P	Fi	
۸,۱	۱۴	۴,۴	۲	۸,۵	۴	۱۳,۵	۵	۷,۹	۳	لیسانس
۲۵,۱	۴۲	۲۴,۴	۱۱	۲۷,۷	۱۳	۲۱,۶	۸	۲۶,۳	۱۰	فوق لیسانس
۴۹,۷	۸۳	۶۰	۲۷	۵۳,۲	۲۵	۴۳,۲	۱۶	۳۹,۵	۱۵	دکتری
۴,۲	۷	۴,۴	۲	۲,۱	۱	۵,۴	۲	۵,۲	۲	تخصص / فوق تخصص پزشکی
۶	۱۰	۰	۰	۰	۰	۸,۱	۳	۱۵,۸	۶	تحصیلات حوزوی
۴,۸	۸	۲,۲	۱	۴,۳	۲	۸,۱	۳	۵,۳	۲	تحصیلات حوزوی - فوق لیسانس
۱,۸	۳	۲,۲	۱	۴,۳	۲	۰	۰	۰	۰	تحصیلات حوزوی - دکتری
۱۰۰	۱۶۷	۱۰۰	۴۶	۱۰۰	۴۷	۱۰۰	۳۷	۱۰۰	۳۸	کل

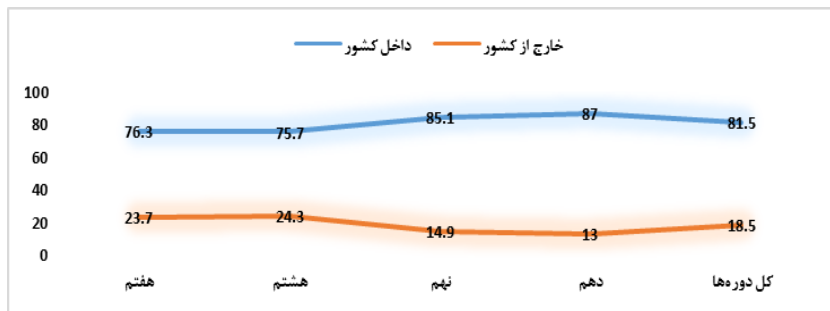
جدول ۹: توزیع فراوانی و درصد فراوانی محل تحصیل اعضای کابینه دولت هفتم تا دهم

کابینه دولت										محل تحصیل
جمع کل		دهم		نهم		هشتم		هفتم		
P	Fi	P	Fi	P	Fi	P	Fi	P	Fi	
۱۸,۵	۳۱	۱۳	۶	۱۴,۹	۷	۲۴,۳	۹	۲۳,۷	۹	خارج از کشور
۸۱,۵	۱۳۷	۸۷	۴۰	۸۵,۱	۴۰	۷۵,۷	۲۸	۷۶,۳	۲۹	داخل کشور
۱۰۰	۱۶۸	۱۰۰	۴۶	۱۰۰	۴۷	۱۰۰	۳۷	۱۰۰	۳۸	جمع کل

در سطح تحلیل کل یافته‌های تجربی نشان می‌دهد، بیشترین درصد توزیع اعضای دولت بر حسب تحصیلات در مقطع دکتری و فوق لیسانس با ۷۴,۸ درصد بوده است. همچنین داده‌های جدول ۹ نشان می‌دهد که ۸۱,۵ درصد از اعضای دولت دارای تحصیلات داخلی هستند. نمودار ۷ توزیع اعضای هیئت دولت بر حسب تحصیلات را به‌طور دقیق‌تر نشان می‌دهد.



نمودار ۶: مقطع تحصیلی اعضای هیئت دولت هفتم تا دهم



نمودار ۷: محل تحصیل در هیئت دولت هفتم تا دهم

شغل فرد یکی از ملاک‌های پایگاه اجتماعی است.^{۲۸} در سطح تحلیل درون دولتی، یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که در دولت هفتم مشاغلی مانند وزیر با ۳۹٫۵ درصد، معاون وزیر با ۳۶٫۸ درصد و نمایندگی مجلس با ۶٫۳ درصد بیشترین درصد فراوانی را در پیشینه شغلی اعضای کابینه داشته‌اند. در دولت هشتم نسبت حضور وزیران و معاونانی با سابقه وزارت، افزایش داشته است. دلیل آن تکرار تجربه سمت وزارت در دولت هفتم و هشتم بوده است. سهم افراد با تجربه سیاسی در مقام وزرات در دولت هشتم ۵۴٫۱ درصد بوده است و ۳۷٫۸ درصد اعضای این کابینه، سابقه معاون وزیر بودن را در کارنامه شغلی خود ثبت کرده‌اند.

داده‌های پیشینه شغلی اعضای کابینه نهم نشان می‌دهد که ترکیب و آرایش سیاسی اعضای هیئت دولت نهم به لحاظ پیشینه شغلی و سابقه تجربه سیاسی متفاوت بوده است. بر اساس

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: ... _____ علی ساعی و همکاران

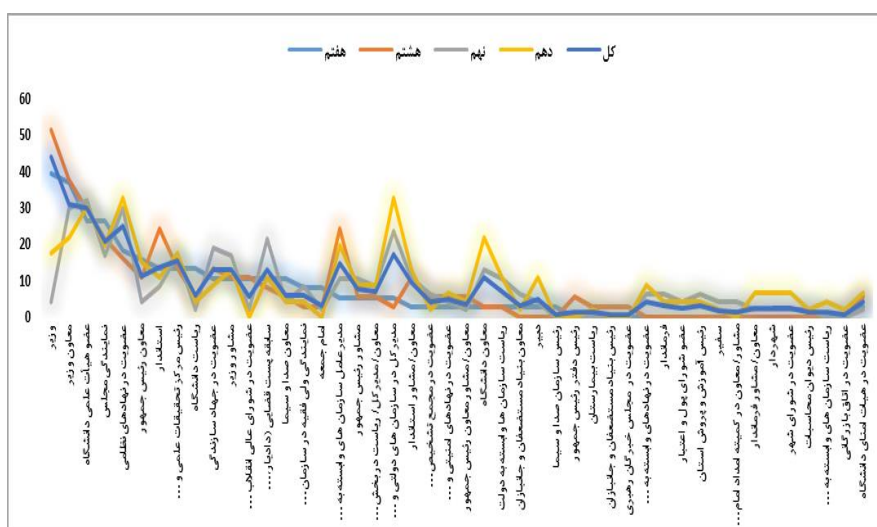
نتایج به دست آمده، بیشترین درصد سابقه شغلی اعضای کابینه در دولت نهم مربوط به سابقه عضویت در هیئت علمی دانشگاه با ۳۱,۹ درصد، سابقه معاون وزیر بودن با ۲۹,۸ درصد و عضویت در نهادهای نظامی (سپاه پاسداران و ارتش) با ۲۹,۸ درصد بوده است. درصد اندکی، یعنی ۴,۳ درصد از اعضای کابینه در دولت نهم سابقه وزارت را در پیشینه شغلی شان داشته‌اند. سهم سابقه حضور در نهادهای نظامی، در دولت دهم بیش از سایر دولت‌ها بوده است و ۳۲,۶ درصد اعضای کابینه، سابقه حضور در نهادهای نظامی را داشته‌اند. مدیرکل در وزارتخانه یا نهادهای دولتی با ۳۲,۶ درصد و هیئت علمی دانشگاه با ۳۰,۴ درصد، در مراتب بعدی بوده است. در دولت دهم، ۱۷,۴ درصد اعضای هیئت دولت سابقه وزارت را داشته‌اند که بخشی از این افزایش به دلیل سابقه وزارت در دولت نهم بوده است.

در سطح تحلیل بین دولتی، داده‌های تجربی بیانگر آن است که اعضای دولت هفتم و هشتم سابقه فعالیت در سلسله مراتب بالای سیاسی مانند وزارت با ۳۴ درصد، معاون وزیر با ۲۸ درصد و نمایندگی مجلس با ۱۸ درصد را در کارنامه شغلی بیش از دولت‌های نهم و دهم دارند. در دولت‌های نهم و دهم وزیر، معاون وزیر و نمایندگی مجلس به ترتیب با ۲۴، ۱۰ و ۱۷ درصد توزیع شده‌اند. درصد بیشتری از اعضای کابینه دولت نهم برخاسته از قشر دانشگاهی هستند. افزایش سهم حضور افراد با سابقه نظامی از دولت هفتم با ۱۸,۴ تا دهم با ۳۲,۶ درصد، نشان‌دهنده سهم بیشتر این گروه از قدرت سیاسی است. نکته مهم در باب سابقه وزارت، تکرار حضور افراد در دولت‌های دوم است. بر اساس داده‌های تجربی، تعداد افرادی که سابقه وزارت داشته‌اند از ۳۹,۵ درصد در دولت هفتم به ۵۱,۴ درصد در دولت هشتم و از ۴,۳ درصد در دولت نهم به ۱۷,۴ درصد در دولت دهم افزایش یافته است.

عناوین شغلی	درصد فراوانی عناوین شغلی به تفکیک دولت‌ها					عناوین شغلی	درصد فراوانی عناوین شغلی به تفکیک دولت‌ها				
	هفتم	هشتم	نهم	دهم	کل		هفتم	هشتم	نهم	دهم	کل
وزیر	۳۹،۵	۵۱،۴	۴،۳	۱۷،۴	۴۴	ریاست دانشگاه	۱۳،۲	۵،۴	۲،۱	۴،۳	۶
معاون وزیر	۳۶،۸	۳۷،۸	۲۹،۸	۲۱،۷	۳۱	عضویت در جهاد سازندگی	۱۰،۵	۱۳،۵	۱۹،۱	۸،۷	۱۳،۱
عضو هیئت علمی دانشگاه	۲۶،۳	۲۹،۷	۳۱،۹	۳۰،۴	۲۹،۸	امام جمعه	۷،۹	۲،۷	۲،۱	۰	۳
نماینده مجلس	۲۶،۳	۲۱،۶	۱۷	۱۹،۶	۲۰،۸	معاون دانشگاه	۲،۶	۲،۷	۱۲،۸	۲۱،۷	۱۰،۷
عضویت در نهادهای نظامی	۱۸،۴	۱۶،۲	۲۹،۸	۳۲،۶	۲۵	معاون/ مشاور استان‌دار	۲،۶	۱۰،۸	۱۰،۶	۱۳	۹،۵
معاون رئیس جمهور	۱۵،۸	۱۰،۸	۴،۳	۱۵،۲	۱۱،۳	فرهنگی (دبیر، معلم)	۲،۶	۰	۴،۳	۱۰،۹	۴،۸
استادار	۱۳،۲	۲۴،۳	۸،۵	۱۰،۹	۱۳،۷	رئیس سازمان صداوسیما	۲،۶	۰	۰	۰	۰،۶
رئیس مرکز تحقیقات علمی و تخصصی	۱۳،۲	۱۳،۵	۱۷	۱۷،۴	۱۵،۵	معاون/ مشاور رئیس جمهور	۲،۶	۵،۴	۲،۱	۴،۳	۳،۶
عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۰،۵	۱۰،۸	۲،۱	۰	۵،۴	رئیس دفتر رئیس جمهور	۰	۵،۴	۰	۰	۱،۲
سابقه بست قضایی (دادیار، دادستان، قاضی)	۱۰،۵	۸،۱	۲۱،۳	۱۰،۹	۱۳،۱	ریاست بیمارستان	۰	۲،۷	۰	۲،۲	۱،۲
معاون صداوسیما	۱۰،۵	۵،۴	۴،۳	۴،۳	۶	عضویت در خبرگان رهبری	۰	۲،۷	۰	۰	۰،۶
مشاور وزیر	۱۰،۵	۱۰،۸	۱۷	۱۳	۱۳،۱	رئیس بنیاد مستضعفان	۰	۲،۷	۰	۰	۰،۶
مدیرعامل سازمان‌های وابسته به دولت	۵،۳	۲۴،۳	۱۰،۶	۱۹،۶	۱۴،۹	سفیر	۰	۰	۴،۳	۲،۲	۱،۶
مشاور رئیس جمهور	۵،۳	۵،۴	۱۰،۶	۸،۷	۷،۷	فرماندار	۰	۰	۶،۴	۴،۳	۳
مدیرکل در سازمان‌های دولتی و وزارتخانه‌ها	۵،۳	۲،۷	۲۳،۴	۳۲،۶	۱۷،۳	عضو شورای پول و اعتبار	۰	۰	۴،۳	۴،۳	۲،۴
عضویت در نهادهای امنیتی و اطلاعاتی	۲،۶	۵،۴	۴،۳	۶،۵	۴،۸	رئیس آموزش و پرورش استان	۰	۰	۶،۴	۴،۳	۳
عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام	۲،۶	۵،۴	۶،۴	۲،۲	۴،۲	معاون/ مشاور فرماندار	۰	۰	۲،۱	۶،۵	۲،۴
عضویت در هیئت امنای دانشگاه	۲،۶	۵،۴	۲،۱	۶،۵	۴،۲	شهردار	۰	۰	۲،۱	۶،۵	۲،۴
ریاست سازمان‌های وابسته به دولت	۲،۶	۲،۷	۱۰،۶	۱۰،۹	۷،۱	عضویت در شورای شهر دولت	۰	۰	۲،۱	۶،۵	۲،۴
معاون بنیاد مستضعفان و جانبازان	۲،۶	۰	۶،۴	۲،۲	۳	رئیس دیوان محاسبات	۰	۰	۲،۱	۲،۲	۱،۲
عضویت در نهادهای وابسته به شورای نگهبان	۰	۰	۶،۴	۸،۷	۴،۵	عضویت در اتاق بازرگانی	۰	۰	۰	۲،۲	۰،۶
معاون، مدیرکل در بخش‌های مختلف شهرداری	۵،۳	۵،۴	۸،۵	۸،۷	۷،۱	مشاور/ معاون در کمیته امداد	۰	۰	۴،۳	۰	۱،۲
نماینده ولی قبه در سازمان‌های وابسته (بیت رهبری، سازمان حج، شورای سیاست‌گذاری و ...)	۷،۹	۲،۷	۸،۵	۴،۳	۶	ریاست سازمان‌های وابسته به نهاد ریاست جمهوری	۰	۰	۰	۴،۳	۱،۲

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: ... علی ساعی و همکاران

در سطح تحلیل کل دوره‌ها، نمودار ۸ نشان می‌دهد که بیشتر اعضای کابینه دولت حداقل در یکی از مشاغل خود در مناصب دولتی و یا مناصب بالای سیاسی در سایر حوزه‌ها بوده‌اند. این داده‌های تجربی نشان‌دهنده تحرک سیاسی در موقعیت‌های بالای اجتماعی است. در مجموع، سابقه وزارت، معاون وزیر بودن، عضو هیئت علمی دانشگاه و عضویت در نهادهای نظامی با ۴۴، ۳۱، ۲۹،۸ و ۲۵ درصد بیشترین توزیع را در کارنامه شغلی اعضای کابینه دولت‌ها به‌خود اختصاص داده است.



نمودار ۸: پیشینه شغلی اعضای هیئت دولت هفتم تا دهم

نتیجه‌گیری

شواهد تجربی این پژوهش دلالت بر آن دارد که به لحاظ پایگاه اجتماعی انتسابی، اکثریت اعضای کابینه دولت‌ها را مردان در گروه سنی ۴۰ - ۵۰ سال با خاستگاه سکونت شهری تشکیل می‌دهد. داده‌های تجربی نشان می‌دهد که درصد حضور زنان در دولت‌های هفتم تا دهم ۴،۲ درصد بوده است. داده‌های بین دولتی نشان می‌دهد که حضور زنان از ۲،۶ درصد در دولت هفتم به ۸،۷ درصد در دولت دهم افزایش یافته است. میانگین سنی اعضای کابینه ۴۸ سال بوده است که از میانگین ۴۶،۱ در دولت هفتم به ۵۰،۲ سال در دولت دهم تغییر یافته است. داده‌های خاستگاه سکونت نشان می‌دهد که ۱۳،۸ درصد اعضای دولت‌ها روستایی بوده-

اند. کمترین میزان توزیع خاستگاه روستایی در دولت هشتم با ۵,۴ درصد و بیشترین میزان در دولت دهم با ۱۹,۶ حضور داشته‌اند. تهران و اصفهان دو شهر بزرگ هستند که بیشترین درصد حضور در کابینه را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های تجربی مطالعه نشان می‌دهد روند حضور روحانیون در دولت نزولی بوده است. درصد حضور روحانیون از ۲۱,۱ درصد در دولت هفتم به ۴,۳ درصد در دولت دهم کاهش یافته است. اکثریت اعضای کابینه دارای تحصیلات عالی بوده‌اند. کمترین میزان سطح تحصیلات، لیسانس با ۸,۱ درصد و بیشترین میزان سطح تحصیلات، دکتری با ۵۱,۵ درصد بوده است. اکثریت اعضای کابینه در تجربه شغلی خود در مشاغل دولتی در مناصب بالا حضور داشته‌اند؛ در دولت هفتم و هشتم پیشینه شغلی وزیر بودن به ترتیب با ۳۹,۵ و ۵۱,۴ درصد بیشترین توزیع را داشته است. در دولت نهم و دهم سابقه عضویت در هیئت علمی دانشگاه به ترتیب با ۳۱,۹ و ۳۰,۴ درصد بیشترین توزیع را داشته است. در سطح نظری ماهیت طبقاتی دولت‌ها از پایگاه اجتماعی اعضای آن قابل شناسایی است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دولت‌های هفتم تا دهم به لحاظ طبقاتی به طبقه متوسط شهری تعلق دارند.

در باب سازگاری نتیجه این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مانند پژوهش ساعی (۱۳۷۷) باید گفت، در این پژوهش و در پژوهش ساعی درباره نخبگان سیاسی مقننه، داده‌های تجربی نشان می‌دهد که روند توزیع نخبگان سیاسی در قوه مقننه و مجریه به لحاظ ویژگی‌های سن، جنسیت، تحصیلات و حضور قشرهای دانشگاهی، روحانی مشابه بوده است. افزایش میانگین سنی نمایندگان و اعضای کابینه در طول زمان، نسبت بالاتر حضور مردان به زنان، افزایش درصد حضور افراد با تحصیلات دانشگاه و کاهش درصد حضور نخبگان سیاسی با تحصیلات حوزوی در این مطالعات مشابه بوده است. همچنین افزایش حضور قشر دانشگاهی و در مقابل کاهش حضور قشر روحانی از دیگر یافته‌های مشترک در این مطالعات بوده است. بر اساس داده‌های این دو پژوهش درصد حضور نظامیان روند متفاوتی داشته است. درصد حضور قشر نظامی از ۲۰ درصد در دور اول مجلس به ۷,۲ درصد در دور پنجم کاهش یافته است اما در دولت‌های هفتم تا دهم این روند متفاوت بوده است و از ۱۸,۴ درصد در دولت هفتم به ۳۲,۶ درصد در دولت دهم افزایش یافته است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مردان، گروه سنی ۴۰-۵۰ سال، افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و سابقه حضور در مناصب سیاسی شانس بیشتری برای دستیابی به قدرت سیاسی دارند.

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی:..... علی ساعی و همکاران

این واقعیت که ترکیب پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی در قبل و پس از انقلاب تغییر کرده است، سوال اصلی این پژوهش بوده است. مقایسه یافته‌های این پژوهش با پژوهش شجیعی نشان می‌دهد که تغییرات در پایگاه اجتماعی اعضای کابینه مشهود نبوده است. یافته‌های تجربی این پژوهش‌ها بر اساس بررسی پایگاه اجتماعی ۴۰۶ نفر از وزیران دروه مشروطیت (اول تا سوم)، ۷۶ نفر از وزیران دوران شاه و ۱۲۸ نفر از اعضای کابینه دولت هفتم تا دهم با یکدیگر مقایسه شده است. داده‌های تجربی نشان دهنده نسبت پائین حضور زنان در کابینه دولت در دوره پیش و پس از انقلاب بوده است. در مطالعه شجیعی و در این پژوهش، یک زن در تمامی دوره‌های مورد بررسی توانسته است به مقام وزارت دست یابد. روند تغییرات سنی نیز تغییراتی نداشته است. گروه سنی ۴۰-۵۰ سال با ۳۵,۷ درصد در دوره مشروطیت، ۴۷,۳ درصد در دوران محمدرضا شاه و ۶۱ درصد در کابینه دولت‌های هفتم تا دهم بیشترین درصد فراوانی را داشته است. توزیع وزیران و اعضای دولت بر حسب تحصیلات نیز نشان می‌دهد که بیشترین درصد حضور به تحصیلات دکتری اختصاص داشته است. درصد توزیع تحصیلات دکتری در دوره مشروطیت، محمدرضا شاه و کابینه دولت هفتم تا دهم به ترتیب ۴۵,۶، ۵۹,۲ و ۵۱,۵ درصد بوده است. تفاوت قابل مشاهده مربوط به تحصیلات خارجی در دوره قبل و پس از انقلاب است. در حالیکه ۷۷,۹ درصد وزیران در عصر مشروطیت و ۸۱,۱ درصد وزیران در دوران محمدرضا شاه در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، در دولت‌های هفتم تا دهم این میزان، ۱۸,۵ درصد بوده است.

تفاوت اصلی در ترکیب پایگاه اجتماعی وزیران در دوره‌های مورد بررسی مربوط به حضور قشر روحانی در کابینه دولت‌ها است. یافته‌های مطالعه شجیعی نشان می‌دهد که روحانیون در دوره مشروطیت و محمدرضا شاه در سمت وزارت حضور نداشته‌اند. یافته‌های مطالعه ما حاکی از حضور قشر روحانی در کابینه دولت‌های هفتم تا دهم است که روند نزولی داشته است و از ۲۱,۱ درصد در دولت هفتم به ۴,۳ درصد در دولت دهم تقلیل یافته است.

داده‌های مقایسه‌ای ناظر بر پیشینه شغلی وزیران در این پژوهش و پژوهش شجیعی نشان می‌دهد که در روند حضور گروه‌های اجتماعی تغییراتی ایجاد شده است. اکثریت وزیران در هر دو مطالعه در کارنامه شغلی خود سابقه حضور در دولت را داشته‌اند. بیش از ۸۰ درصد وزیران در دوره مشروطیت و محمدرضا شاه سابقه حضور در مناصب دولتی داشته‌اند. در کابینه هفتم و دهم نیز سابقه حضور در دولت در مناصب بالا مشهود است. زونیس معتقد است در ایران تحرک در میان نخبگان سیاسی از مقامات «بدون قدرت» به مناصب «دارای قدرت»

به‌ندرت رخ می‌دهد. یافته‌های مطالعه شجیعی نشان می‌دهد که در طول دوران هفتاد و سه ساله مشروطیت طبقه بازاری و سرمایه‌دار کمترین درصد حضور در کابینه را داشته است و از مجموع ۴۰۶ وزیر دوره مشروطیت، تنها ۲ نفر با سابقه تجارت بوده‌اند. این روند در کابینه دولت هفتم و هشتم نیز مشهود است. تدریس در دانشگاه و مدارس عالی از جمله مشاغل است که در کارنامه شغلی وزیران ثبت شده است. ۱۲ درصد وزیران دوره مشروطیت، ۲۱٫۱ درصد در دوره محمدرضا شاه و ۲۹٫۸ درصد در کابینه هفتم تا دهم سابقه تدریس دانشگاهی داشته‌اند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد ۶٫۲ درصد وزیران دوره مشروطیت در مقابل ۲۰٫۸ درصد اعضای کابینه در دولت هفتم تا دهم سابقه نمایندگی مجلس را داشته‌اند. حضور قشر نظامی در کابینه دولت اما روند متفاوتی داشته است. بر اساس یافته‌های تجربی مطالعه شجیعی، وزیران با سابقه شغلی نظامی مشاهده نشده است اما در پژوهش ما ۲۵ درصد وزیران دارای سابقه عضویت در نهادهای نظامی بوده‌اند که روند حضور این قشر از دولت هفتم با ۱۸٫۴ درصد تا دولت دهم با ۳۲٫۶ درصد افزایشی بوده است.

در پایان باید گفت یافته‌های این پژوهش به فهم بیشتر در باب فرآیند گردش نخبگان منجر شده است. تفاوت عمده یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های قبلی این است که نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های انتسابی، کسب پایگاه و منزلت اجتماعی به‌واسطه دستیابی به تحصیلات و مشاغل دولتی در سطوح عالی مدیریت کشور، از جمله عوامل مهم در تحرک اجتماعی و کسب موفقیت‌های سیاسی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Wright Mills
۲. William Domhoff
۳. Marvin Zonis
۴. The Power Elite
۵. Gaetano Mosca
۶. Karl Marx
۷. Max Weber
۸. Political elite
۹. Patrick Dunleavy, Brendan O'Leary
۱۰. Instrumental model
۱۱. Arbiter (class balance) model / the relative autonomy of the capitalist state

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: ... _____ علی ساعی و همکاران

۱۲. Functionalist model

۱۳. Marx, K. (1977) Selected Writings (Oxford: Oxford University Press), edited by D. McLellan [5.1]

۱۴. The Eighteenth Brumaire of Louis Napoleon

۱۵. functional

۱۶. Superstructural

۱۷. Economic base

۱۸. Status groups

۱۹. Economic Chance

۲۰. Party

۲۱. فلش در این ارتباط به معنای رابطه علی نیست.

۲۲. Measures

۲۳. این کتب شامل فاضلی بیرجندی، ۱۳۹۳؛ بروجردی و رحیم‌خانی، ۲۰۱۸

۲۴. بالاتر بودن تعداد اعضای هیئت دولت نهم و دهم به دلیل تغییرات ساختاری، از جمله افزوده شدن چند معاونت جدید در ساختار سیاسی قوه مجریه و تعدد تغییرات در اعضای هیئت دولت نهم و دهم و جابه‌جایی اعضای هیئت دولت (استیضاح، عزل و استعفا وزرا و معاونان) بوده است.

۲۵. درصد فراوانی معتبر.

۲۶. نتایج مطالعات پیشین نیز نشان می‌دهد سن عامل تعیین‌کننده‌ای در دستیابی به قدرت سیاسی بوده است؛ از جمله زهرا شجیعی و زونیس در مطالعه نخبگان سیاسی پیش از انقلاب نشان می‌دهند که دستیابی به قدرت در سنین بالا امکان‌پذیر بوده است.

۲۷. بر اساس اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی، رئیس‌جمهور از میان «رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشد انتخاب می‌شود: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» انتخاب می‌شود که بر اساس اصل دوازدهم قانون اساسی «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است...».

۲۸. ر.ک: زونیس، ۱۳۸۷؛ شجیعی، ۱۳۷۲ و ۱۳۸۳؛ ساعی، ۱۳۷۷؛ عیوضی و رضائی، ۱۳۹۳؛ بشیری و ازغندی، ۱۳۹۳؛ سورنسن، ۲۰۰۰.

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). *ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب*. تهران: قومس.
- آلین رایت، اریک و همکاران (۱۳۹۵). *رویکردهایی به تحلیل طبقاتی*. ترجمه یوسف صفاری. تهران: لاهیتا.
- آلین رایت، اریک (۱۳۹۵). «پایه‌های تحلیل طبقاتی نو مارکسیستی». *رویکردهایی به تحلیل طبقاتی*. ترجمه یوسف صفاری. تهران: لاهیتا.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸

- بشیری، سعید و علیرضا ازغندی (۱۳۹۳). «بررسی پایگاه اجتماعی وزیران دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران». *رهیافت/انقلاب اسلامی*. ش ۲۹. صص ۱۱۷ - ۱۳۹.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۷۹). «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی بر اساس شعارهای انقلاب». *علوم اجتماعی*. د ۷. ش ۱۱-۱۲. صص ۶۳ - ۸۴.
- دام هوف، ویلیام (۱۳۵۱). *چه کسانی بر امریکا حکومت می‌کنند؟*. ترجمه پرویز علوی. تهران: موسسه مطبوعاتی فرخی.
- زونیس، ماروین (۱۳۸۷). *روان‌شناسی نخبگان سیاسی ایران*. ترجمه پرویز صالحی و همکاران. تهران: چاپخش.
- ساعی، علی (۱۳۷۷). «بررسی طبقه اجتماعی نمایندگان مجلس شورای اسلامی». *مدرس علوم انسانی*. ش ۸، صص ۳۷-۶۳.
- _____ (۱۳۹۲). *روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی*. تهران: سمت.
- _____ (۱۳۹۷). *درس نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سورنسن، اوگه (۱۳۹۵). *پایه‌های یک تحلیل طبقاتی رانت‌محور*. کتاب رویکردهایی به تحلیل طبقاتی. ترجمه یوسف صفاری. تهران: لاهیتا.
- شجیعی، زهرا (۱۳۸۳). *نخبگان سیاسی ایران: از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی (نمایندگان مجلس شورای ملی)*. ج ۴. چ ۲. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۳). *نخبگان سیاسی ایران: از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی (نخست‌وزیران و وزیران در ایران)*. ج ۲. تهران: سخن.
- عبوضی، محمدرحیم و ملیحه رضانی (۱۳۸۹). «بررسی پایگاه اجتماعی هیئت وزیران جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۸)». *راهبرد یاس*. ش ۲۴. صص ۴۳ - ۷۸.
- کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد (۱۳۹۳). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). *مبانی جامعه‌شناسی*. تهران: نی.
- فاضلی بیرجندی، محمود (۱۳۹۳). *از مهدی بازرگان تا حسن روحانی*. تهران: پایان.
- میلز، سی.رایت (۱۳۸۳). *نخبگان قدرت، حمید مولانا (مترجم)*. تهران: فرهنگ مکتوب.
- ندیمی، زهرا (۱۳۹۰). «تحرك شغلی مسئولان سیاسی ایران». *مسائل اجتماعی ایران*. س ۲. ش ۲. صص ۱۸۵ - ۲۱۵.
- _____ (۱۳۹۰). *بررسی ساختار نخبگان سیاسی ایران و ساختار چرخش آن بعد از انقلاب*. رساله دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه شهید بهشتی.
- وبر ماکس (۱۳۹۶). *اقتصاد و جامعه*. ترجمه عباس منوچهری و همکاران. تهران: سمت.

تحلیل تطبیقی پایگاه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی: ... علی ساعی و همکاران

- Ambedkar, S. Nagendra (1992). "Political Elites: Theoretical Perspectives". *The Indian Journal of Political Science*. Vol. 53. No. 2 (April - June, ۱۹۹۲). pp. 253-276, <https://www.jstor.org>.
- Boroujerdi, M &, K. Rahimkhani (2018). *Postrevolutionary Iran: A political Handbook*. Syracuse University Press.
- Buchta w. (2000). Who rules Iran- The structure of power in Islamic Republic. The Washington Institute for near east policy.
- Domhoff, G. W. (2005), Who rules America, <https://whorulesamerica.ucsc.edu>.
- Mosca, G. (1939). *The Ruling Class*. New York & London, McGraw-Hill Book Company, INC.
- Nash, K. (2010). *Contemporary Political Sociology, Globalization, Politics, and Power*, Wiley-Blackwell
- Rakel Eva, Patricia (2008). The Iranian Political Elite, State and Society Relations, and Foreign Relations since the Islamic Revolution. Universities van Amsterdam.
- Patrick Dunleavy & Brendan O'Leary (1987). *Theories of the State The politics of liberal Democracy*-Macmillan Education UK.

سایت‌ها و خبرگزاری‌ها

- <https://www.farsnews.com/news/8302050094>
<https://www.mehrnews.com/news/218345>
<https://www.isna.ir/news/8408-05-130>
<http://www.icana.ir/Fa/News/233474>
<https://www.isna.ir/news/39082814945>
<https://www.mehrnews.com/news/2321747>
<http://snn.ir/fa/news/393437>
<http://www.sharghdaily.ir/fa/main/detail/143796>
<http://www.justice.ir/Portal/View>
<https://www.msrt.ir/fa/news/12406>
<http://dorri.ir/biography.html>
<http://www.mohammadshariatmadari.ir>
<http://ahmadinejad.ir>
<http://nioc.ir>
<http://www.president.ir>
<http://www.drpezeshkian.ir>
<http://mehremardom.ir>
<http://vazirihamaneh.ir>
<http://rc.majlis.ir>

<http://moe.gov.ir>
<http://hajibabaei.ir>
<http://drsoleimani.ir>
<http://shamseddin-hosseini.ir>
<http://poumohammadi.ir>